



New Foreign Policy Doctrine of Russia 2023

Mohammad rafiee¹

Mostafa Zahrani²

Abstract

The new foreign policy doctrine of Russia in 2023 reflects fundamental changes in the international environment and the geopolitical goals of the country. This article, utilizing John Mearsheimer's framework of offensive realism, analyzes the foundations and implications of this doctrine. Offensive realism emphasizes the ongoing efforts of great powers to achieve regional hegemony and balance against international rivals. The main research question is: what principles and components does Putin's new foreign policy doctrine emphasize? It is assumed that the new foreign policy doctrine of Russia reflects the country's desire to redefine the international order and confront Western influence, particularly from the United States and NATO. This doctrine is formulated with the aim of achieving objectives such as expanding regional influence, establishing strategic alliances with non-Western powers, and reducing dependence on Western-led structures. The research findings indicate that Russia, through adopting aggressive policies in military, economic, and diplomatic fields, seeks to impose heavy costs on its rivals and increase strategic deterrence.

Keywords: Russian foreign policy, Putin, offensive realism, regional hegemony, strategic deterrence

¹. Student of Political Geography, Islamic Azad University, Garmsar Branch, Iran

² Associate Professor of International Relations, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. Mostafazaharani@yahoo.com



دکترین جدید سیاست خارجی ۲۰۲۳ روسیه

محمد رفیعی^۱ - مصطفی زهرانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰

چکیده

دکترین جدید سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۲۳، بازتابی از تغییرات بنیادین در محیط بین‌المللی و اهداف ژئوپلیتیکی این کشور است. این مقاله با بهره‌گیری از چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی جان مرشایمر، به تحلیل مبانی و پیامدهای این دکترین می‌پردازد. واقع‌گرایی تهاجمی، بر تلاش مستمر قدرت‌های بزرگ برای کسب هژمونی منطقه‌ای و موازنه‌سازی علیه رقبای بین‌المللی تأکید دارد. سؤال اصلی پژوهش این است که دکترین جدید سیاست خارجی پوتین بر چه اصول و مولفه‌هایی تأکید دارد؟ فرض بر آن است که دکترین جدید سیاست خارجی روسیه نشان‌دهنده تمایل این کشور برای بازتعریف نظم بین‌المللی و مقابله با نفوذ غرب، به‌ویژه ایالات متحده و ناتو، است. این دکترین در راستای دستیابی به اهدافی مانند گسترش نفوذ منطقه‌ای، ایجاد اتحادهای استراتژیک با قدرت‌های غیرغربی و کاهش وابستگی به ساختارهای تحت رهبری غرب تدوین شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روسیه با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک، درصدد تحمیل هزینه‌های سنگین بر رقبای و افزایش بازدارندگی راهبردی است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی روسیه، پوتین، واقع‌گرایی تهاجمی، هژمونی

منطقه‌ای، بازدارندگی راهبردی

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد واحد گرمسار، ایران

^۲ دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

مقدمه

اظهارات و اقدامات ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، در خصوص تصویب و امضای دکترین جدید سیاست خارجی روسیه نشان از اهمیت و جدیت آن در تعیین راهبرد خارجی این کشور است. این موضوع نشان از توجه روسیه به تغییرات ریشه‌ای در ساحت بین‌المللی و تلاش برای اصلاح و به‌روزرسانی سیاست‌ها و استراتژی‌های خود است. تأکید ولادیمیر پوتین بر اهمیت اصلاح مبانی و طرح‌های استراتژیک، اولویت‌ها و وظایف دیپلماتیک و تصویب دکترین جدید سیاست خارجی روسیه نشان از تعهد این کشور به بهبود و تطبیق با تحولات جهانی است. این اقدامات نشان از توانمندسازی و تجدید نظر در سیاست خارجی روسیه به منظور تأسیس یک رویه مؤثر و موازنه‌شده در روابط بین‌المللی است. این اقدامات و تصمیمات نشان از تحولات مهم در سیاست خارجی روسیه و تمایل این کشور به ارتقاء نقش و تأثیر خود در ساحت بین‌المللی است. این امر می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای در روابط بین‌المللی و تعاملات روسیه با سایر کشورها داشته باشد و به تحقق اهداف استراتژیک و امنیتی این کشور کمک کند. این مقاله استدلال می‌کند که دکترین جدید سیاست خارجی روسیه با اصول واقع‌گرایی تهاجمی همخوانی دارد، زیرا تمرکز آن بر رقابت صفر-جمع‌ی و امنیت نسبی است. همچنین، روسیه با تأکید بر هویت خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ و تلاش برای حفظ هژمونی منطقه‌ای در اوراسیا، به دنبال کاهش تهدیدات خارجی و بازتعریف جایگاه خود در نظام بین‌الملل است. در نهایت، این دکترین نه تنها منعکس‌کننده تغییرات ساختاری در سیاست جهانی است، بلکه به تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ و افزایش تنش‌های ژئوپلیتیکی در آینده نیز منجر خواهد شد. روش پژوهش در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای

فارسی و لاتین، منابع اینترنتی و با رویکردی تحلیلی به بررسی فرضیه و اثبات مسئله پژوهش پرداخته شده است.

چهار چوب نظری

رنالیسم به عنوان یک نظریه‌های جریان اصلی در سیاست بینالملل شناخته می‌شود. در بحث نظری پیرامون موضوع مورد بررسی در این مقاله، تلاش خواهد شد از نظریات رنالیسم و رنالیسم تهاجمی برای تبیین دکترین جدید سیاست خارجی ۲۰۲۳ روسیه استفاده شود. در دیدگاه نظریه‌های رنالیسم یا واقعگرایی مؤلفه‌هایی همچون ارزش، اخلاق، هنجارها، فرهنگ، منافع ایدئولوژیک و ماهیت نظام سیاسی در راهبرد کشورها و بازیگران بین‌المللی جایگاهی ندارند. این مکتب بر چهار پیشفرض همچون دولت محوری، اهمیت قدرت و حفظ بقا، موازنه قوا و آناشسی بودن نظام بینالملل تأکید دارد. در نظریه واقعگرایی هدف اصلی دولت‌ها دفاع از کشور است و گزینه بقا برای آن‌ها در اهمیت بالاتری قرار دارد، زیرا بدون وجود عنصر بقا در رفتار و کنش دولت‌ها، هیچ دولتی جهت افزودن توان ملی در عرصه سیاست بینالملل اقدامی نخواهد نمود؛ بنابراین، افزایش تهدیدات ملی زمینه را برای افزایش انگیزه قدرت در جهت حفاظت از بقای سیاسی فراهم می‌کند. (Waltz, 1979: 12) حفظ بقا و برقراری توازن از انگیزه‌های اصلی در سیاست بینالملل بوده و از آنجایی که ساختار نظام بینالملل برخلاف ساختار داخلی، آناشیک است و که هر یک از واحدهای تشکیل دهنده نظام، مسئول امنیت خود هستند لذا هر دولت مختار است تا هر طور که مناسب تر می‌بیند، به تعقیب اهداف متفاوت داخلی و خارجی خود همت گمارد (یزدان فام، ۱۳۸۶: ۷۳۰).

رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی به طور کلی بیانگر تمایل به استفاده از نیرو و اقدامات تهاجمی در سیاست خارجی یک کشور است. در تبیین دکترین جدید سیاست خارجی ۲۰۲۳

روسیه، استفاده از رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی می‌تواند به شناخت عمیق‌تر از اهداف، نیازها و راهبردهای روسیه در صحنه بین‌المللی کمک کند. برای تحلیل دگرترین جدید سیاست خارجی ۲۰۲۳ روسیه با استفاده از رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی، می‌توان به موارد زیر توجه داشت:

۱. بررسی نیازها و تهدیدها: تحلیل نیازها و تهدیدهایی که روسیه در سطح بین‌المللی مواجه است، می‌تواند راهنمایی‌کننده برای تدوین راهبردها و سیاست‌های تهاجمی آن باشد.

۲. بررسی نیروی نظامی و امنیتی: بررسی قدرت نظامی و امنیتی روسیه و نقاط قوت و ضعف آن، می‌تواند به شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌های آن در اقدامات تهاجمی کمک کند.

۳. تحلیل روابط بین‌المللی: بررسی روابط روسیه با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و ارزیابی تأثیر آن بر تصمیمات تهاجمی، می‌تواند به درک ژرف‌تری از رویه‌ها و راهبردهای روسیه کمک کند.

۴. تحلیل تاریخی: بررسی تاریخچه تهاجم‌های و اقدامات روسیه در گذشته و شناخت مواقیت‌های موفق و ناموفق آن، می‌تواند به تدوین سیاست‌های تهاجمی آینده کمک کند.

زکریا و مرشایمر از مهم‌ترین نظریه‌پردازان و متفکران حوزه رئالیسم تهاجمی هستند. این نظریه مدعی است که دلیلی اصلی قدرت‌طلبی بازیگران در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، توانایی تهاجمی دولت‌های متقابل و عدم اطمینان در مورد نیات دشمنان می‌باشد (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۲). جان مرشایمر استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگو، به عنوان واضع رئالیسم تهاجمی نوواقع‌گرایی تهاجمی بر پنج مفروض استوار است که دلیل اصلی پیشینه‌سازی

قدرت در نظام آنارشیک بین‌المللی توسط کشورها را توضیح می‌دهد. دلیل اول، اینک کشورها به عنوان قدرت‌های بزرگ در سیاست جهانی از بازیگران اصلی و عمده در نظام آنارشیک بین‌المللی هستند. دلیل دوم، باوجود اینکه توانایی‌های کشورهای مختلف باهم متفاوت است اما هر یک از کشورها به میزانی از توانایی نظامی برخوردارند و در زمان لازم قادر به ضربه و خسارت به همیگانش است. دلیل سوم، عدم اطمینان از نیات سایر کشورها در زمان حال و عدم تشخیص و درک نیت آینده آنهاست، چهارم، هدف اصلی تمام کشورها حفظ حیات و تأمین بقاء است. پنجم کشورها به عنوان کنشگرانی عاقل باید با اتخاذ راهبردهای درست و عدم سوء محاسبه در سیاست خارجی در آینده امید به بقا داشته باشند (Mearsheimer, 2001: 30-31).

در مجموع نواقعی گرای تهاجمی معتقد است که تأمین امنیت و بقا کشور در بیشینه‌سازی قدرت نسبی امکان‌پذیر است. در نتیجه متفکران رئالیسم تهاجمی، موازنه قوا را زیر سؤال برده و بر این باورند که بازیگران عرصه بین‌الملل هیچ وقت به قدرت خود راضی نیستند و همواره درصدد تأمین و تضمین امنیت خودشان هستند و در این راه تمام تلاش خود را کرده تا در نظام بین‌الملل آنارشیک از ظهور رقبای هم‌تراز جلوگیری نمایند (Mearsheimer, 2001: 21-42).
خارجی ۲۰۲۳ روسیه، می‌توان به درک عمیق‌تر و تدوین راهبردهای موثرتر در خصوص اقدامات تهاجمی این کشور در سطح بین‌المللی دست یافت.

استراتژی تهاجمی روسیه

فدراسیون روسیه از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگران بین‌المللی طی چند سال گذشته بوده است که در راستای حفظ وضع موجود، احیا و تقویت جایگاه هژمونیک مسکو

در منطقه و در نهایت مقابله با اهداف و سیاست‌های قدرت‌های رقیب به‌ویژه ناتو، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، کوشش‌های متعددی را در سطح مناسبات دوجانبه و چندجانبه به اجرا گذاشته است. پس از بهبود نسبی شرایط اقتصادی و سیاسی در روسیه، پوتین در دور دوم ریاست جمهوری خود این فرصت را یافت که بازسازی اقتدار روسیه در خارج از کشور و در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهد.

سیاست‌های مسکو در قبال اوکراین با جهت‌گیری مستمر روسیه از زمان فروپاشی شوروی همخوانی دارد. منافع ملی روسیه که این جهت‌گیری را هدایت می‌کند حفظ نفوذ روسیه در کشورهای پسا شوروی و ممانعت از گسترش ناتو به سمت شرق است. در حالی که منفعت مسکو در گذر زمان تغییری نکرده و صرفاً راهبرد کسب این اهداف دستخوش تغییر شده‌اند. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، راهبرد امنیت ملی جدیدی را در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ تصویب کرد. این دکترین به جنبه‌های داخلی امنیت روسیه توجه بسیار زیادی کرد. به‌طور خاص، تهدیدات امنیتی نظیر تروریسم، ملی‌گرایی افراطی و تعصب مذهبی، جدایی‌طلبی، جرائم سازمان‌یافته و فساد، در آن به عنوان منابع تهدید کشور شناسایی شدند. در مورد تهدیدات خارجی، راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۵ غرب را به ایجاد بحران اوکراین، تحریک «انقلاب‌های رنگی»، از بین بردن «ارزش‌های مذهبی و اخلاقی سنتی روسی»، «ایجاد دریا‌های تنش در منطقه اوراسیا» و دنبال کردن تهدیدات متنوع و به‌هم‌پیوسته علیه امنیت ملی روسیه متهم کرد. راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۵ نقطه اوج روندی به نسبت طولانی از تخریب روابط میان مسکو و غرب و چگونگی فهم نخبگان امنیتی روسی از تهدیدات و چالش‌های امنیتی کشور را نشان می‌دهد. از طرف دیگر، دکترین جدید امنیت ملی روسیه حاوی

نشانه‌هایی از این است که مسکو هنوز از همکاری با شرکای غربی و سایر شرکای خارجی خود استقبال می‌کند (رومی، ۱۳۹۷: ۹۰).

فدراسیون روسیه طی سال‌های اخیر، به یکی از بازیگران مهم و تأثیرگذار نظام بین‌المللی تبدیل شده است که سیاست خارجی آن بر مبنای چند هدف کلیدی تعریف شده است: حفظ وضع موجود ژئوپلیتیکی، احیا و تقویت جایگاه هژمونیک مسکو در منطقه اوراسیا و مقابله با نفوذ و سیاست‌های قدرت‌های رقیب به‌ویژه ناتو، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا. سیاست خارجی جدید روسیه در سال ۲۰۲۳، در ادامه این اهداف، ویژگی‌هایی خاص و اقدامات مهمی را به همراه داشته است که در چارچوب زیر قابل تحلیل است:

۱. تلاش برای احیای جایگاه هژمونیک در منطقه اوراسیا

روسیه در سیاست خارجی خود همواره به دنبال تثبیت هژمونی منطقه‌ای بوده است. در این راستا تقویت نفوذ در کشورهای مشترک‌المنافع؛ مسکو تلاش کرده است کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و حتی بخش‌هایی از اروپای شرقی را در مدار نفوذ خود نگه دارد. این تلاش‌ها از طریق توافقات امنیتی (مانند سازمان پیمان امنیت جمعی)، پروژه‌های اقتصادی (مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا) و حمایت از دولت‌های همسو انجام می‌شود. مقابله با گسترش ناتو؛ روسیه گسترش ناتو به مرزهای خود را تهدیدی مستقیم می‌داند و از ابزارهای دیپلماتیک و نظامی برای ممانعت از این روند استفاده کرده است. بحران اوکراین و الحاق کریمه نمونه بارزی از این سیاست است.

۲. مقابله با غرب و ایجاد نظم چندقطبی

یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۲۳، کاهش نفوذ ایالات متحده و متحدانش در نظام بین‌الملل و ایجاد نظم چندقطبی است.

تقویت روابط با قدرت‌های غیرغربی: روسیه به‌طور فزاینده‌ای به سمت ایجاد اتحاد‌های استراتژیک با چین، ایران و سایر قدرت‌های در حال ظهور حرکت کرده است. این همکاری‌ها در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و انرژی تبلور یافته‌اند.

استفاده از ابزارهای ژئوپلیتیکی: روسیه از انرژی به عنوان یک ابزار استراتژیک برای اعمال فشار بر اتحادیه اروپا استفاده می‌کند و سعی دارد با ایجاد وابستگی انرژی، سیاست‌های مستقل‌تری را بر کشورهای اروپایی تحمیل کند.

۳. تاکید بر حفظ وضع موجود ژئوپلیتیکی

روسیه در سیاست خارجی جدید خود، نه تنها به دنبال گسترش قلمرو نفوذ بلکه حفظ وضعیت موجود در مناطقی است که امنیت و منافع ملی این کشور را تضمین می‌کنند.

حمایت از متحدان و نیروهای نیابتی: روسیه با پشتیبانی از دولت بشار اسد در سوریه، جدایی طلبان اوکراینی و دیگر بازیگران همسو، نشان داده است که حاضر به مداخله مستقیم برای حفظ منافع استراتژیک خود است.

افزایش حضور نظامی: حضور نظامی روسیه در مناطق کلیدی مانند دریای سیاه، دریای بالتیک و قطب شمال، نشان از تلاش این کشور برای جلوگیری از نفوذ غرب به مناطق حساس ژئوپلیتیکی دارد.

۴. دیپلماسی تهاجمی و استفاده از قدرت سخت و نرم

روسیه در سیاست خارجی ۲۰۲۳، رویکردی تهاجمی تر اتخاذ کرده است:

قدرت سخت: اقداماتی مانند تهدیدهای نظامی علیه اوکراین، آزمایش‌های موشکی و مانورهای نظامی مشترک با چین نشان از استفاده روسیه از قدرت سخت برای اعمال نفوذ دارد.

قدرت نرم: در کنار قدرت سخت، روسیه از ابزارهای قدرت نرم مانند رسانه‌های جهانی (مانند راشا تودی)، دیپلماسی فرهنگی و تلاش برای گسترش روایت‌های ضدغربی بهره می‌گیرد.

دکترین جدید سیاست خارجی روسیه که توسط ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، امضا شد، نشان از تغییرات مهم و ریشه‌ای در سیاست خارجی این کشور دارد. این اقدام نشان از تلاش‌های روسیه برای تطبیق با تغییرات جهانی و بهبود روابط بین‌المللی است. این دکترین به عنوان یک سند مهم، مبانی، وظایف و اولویت‌های فعالیت‌های دیپلماتیک روسیه را مشخص می‌کند. واضح است که این تغییرات نشان از اهمیت بخشیدن به مسائل بین‌المللی توسط روسیه دارد و نشان از تمایل آنها به اصلاح و به‌روزرسانی سیاست خارجی خود است. این امر می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر روابط بین‌المللی و تعاملات روسیه با سایر کشورها داشته باشد. همچنین، توجه به اصلاحات و به‌روزرسانی در دکترین سیاست خارجی نشان از توانایی روسیه در تطبیق با تغییرات سریع جهانی و انعکاس این تغییرات در سیاست‌های خود دارد. این نشان از تعهد روسیه به پیشبرد همکاری‌های بین‌المللی و تحقق اهداف منطقه‌ای و جهانی است (Freitas, ۲۰۲۳: ۱۱).

توضیحات وزیر امور خارجه روسیه، سرگئی لاوروف، درباره دکترین جدید سیاست خارجی روسیه نشان از اهمیت و جدیت این سند در رویه خارجی کشور است. او با اشاره به تهدیدات خارجی، بیان کرد که این دکترین بر اصل پیوند امنیتی بر اساس برابری تأکید دارد. این نکته نشان از توجه روسیه به حفظ امنیت و تعادل در روابط بین‌المللی است که نقش مهمی در استحکام و پایداری جهان بازی می‌کند. همچنین، اشاره وزیر به تجدید ساختار جدی اقتصاد جهانی در مفهوم جدید این دکترین، نشان از توجه روسیه به جوانمردانه نگرستن به چالش‌ها و فرصت‌های جدید در حوزه اقتصاد جهانی است. این موضوع نشان از تمایل روسیه به تحول و پیشرفت در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است (Snigyr, 2023: 3).

مفاد کلی سند دکترین جدید سیاست خارجی

سند دکترین جدید سیاست خارجی روسیه شامل موارد مختلفی می‌شود که برخی از مهم‌ترین آن‌ها برشمرده می‌شود. نخست اینکه در این سند بالا دستی به این مساله اشاره شده که روسیه نه خود را دشمن غرب می‌داند و نه خود را در رابطه با غرب منزوی می‌کند؛ و هیچ گونه نیات خصمانه‌ای نسبت به آن ندارد. این سند نشان از تعهد روسیه به تعامل بین‌المللی سازنده، حفظ امنیت و تعادل در روابط بین‌المللی و عدم تعیین خود به عنوان دشمن غرب یا منزوی کردن خود در روابط با غرب است. این نکته به وضوح نشان از تمایل روسیه به حفظ روابط مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها و جلوگیری از تشویش روابط بین‌المللی دارد. همچنین، اشاره به تبلیغات و جنگ روانی غرب و امریکا علیه روسیه و تلاش‌های برای تبدیل کردن روسیه به قدرت تجاوزگر، نشان از تحلیل‌های دقیق روسیه از مخاطرات و تهدیدات

بین‌المللی است. این موارد می‌توانند تأثیر بزرگی بر سیاست‌های خارجی روسیه داشته باشند

و نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های آینده این کشور داشته باشند (Snigyr, 2023: 3).

درک و تحلیل مسکو از اهداف غرب در ارتباط با کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به اوکراین به وضوح نشان از نگرش روسیه نسبت به وضعیت منطقه و تأثیرات این کمک‌ها بر توسعه جنگ در اوکراین دارد. از دیدگاه مسکو، این کمک‌ها به اوکراین به منظور تضعیف روسیه و تجزیه آن کشور صورت می‌گیرد. این تحلیل نشان از نگرش منفی و نگرانی روسیه نسبت به تأثیرات منفی این کمک‌ها بر منطقه و روابط بین‌المللی دارد. با توجه به این دیدگاه، مسکو به این نتیجه می‌رسد که تداوم و گسترش کمک‌های نظامی و تسلیحاتی غرب به اوکراین با هدف نهایی تجزیه آن کشور صورت می‌گیرد و این موضوع می‌تواند منجر به تشدید و طولانی‌تر شدن جنگ در اوکراین شود. این نگرش نشان از نگرانی و توجه روسیه به حفظ امنیت ملی و منافع خود در منطقه است. (Snigyr, 2023: 3)

بازنگری در موارد مطرح شده در سند دکترین جدید سیاست خارجی روسیه نشان از تأکید این کشور بر حق خود بر استفاده از نیروهای مسلح به منظور دفع و پیشگیری از حملات علیه خود و متحدانش است. این نکته نشان از تعهد روسیه به حفظ امنیت خود و منافع ملی این کشور در برابر تهدیدات خارجی است. از دیدگاه روسیه، استفاده از نیروهای مسلح برای حفاظت از تمامیت ارضی و دفع تهدیدات علیه امنیت روسیه امری ضروری و غیرقابل انکار است. با توجه به تاریخچه تداخل‌های نظامی در منطقه، از جمله مداخله نظامی در اوکراین و قزاقستان و تأکیدات روسیه بر حق خود بر استفاده از نیروهای مسلح در مواجهه با تهدیدات، مشخص است که روسیه این امکان را برای خود در نظر گرفته است. ضمناً، بیان این مساله در سند دکترین جدید سیاست خارجی روسیه نشان از تمایل این کشور به ارتقاء قدرت و

توانایی نظامی خود به منظور حفظ امنیت و منافع ملی است. این نگرش نشان از تمرکز روسیه بر خودکفایی و پایداری امنیتی در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی است (Snigyr, 2023: 3).

در این راستا «دیمیتری مدودف» رئیس‌جمهور پیشین و معاون رئیس شورای امنیت روسیه چندی قبل درباره وقوع جنگ جهانی سوم هشدار داد. وی در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳ طی سخنانی گفت: «جهان به خطر جنگ جهانی سوم به دلیل خصومت‌ها علیه فدراسیون روسیه، نزدیک شده است». هشدار جدی مدودف در باره امکان بروز جنگ جهانی سوم با تشدید خصومت‌ها علیه روسیه به روندهای کنونی در زمینه امتناع غرب از دادن تضمین‌های امنیتی به روسیه از جمله خودداری از عضویت اوکراین در ناتو، حمایت گسترده و روز به روز به افزایش غرب از اوکراین در جنگ کنونی با روسیه و تشدید همه‌جانبه فشارهای بلوک غرب علیه مسکو از جمله گسترش دامنه تحریم‌ها بیان شده است.

موضوع مهم دیگر در دکترین سیاست خارجی جدید روسیه تصریح به این مطلب است که روسیه به کاهش توانایی کشورهای غیردوست در سوء استفاده آنها از موقعیت خود در اقتصاد جهانی کمک می‌کند. موضوعی که ارائه شد از دیدگاه سیاست خارجی روسیه نشان از تأکید آن بر اهمیت کاهش توانایی کشورهای غیردوست در سوء استفاده از موقعیت خود در اقتصاد جهانی است. این اقدام نشان از تمایل روسیه به تعادل قدرت‌ها و جلوگیری از سوء استفاده‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی است. از طرف دیگر، تلاش‌های مشترک روسیه، چین و سایر کشورهای عضو گروه بریکس برای بازتعریف اقتصاد، تجارت و مالیه جهانی بر اساس واقعیت‌های جدید نشان از تمایل این کشورها به تعزیز همکاری بین‌المللی و ایجاد یک نظم بین‌المللی جدید است. اشاره به سوء استفاده آمریکا از موقعیت برتر دلار به عنوان

ارز بین‌المللی اصلی و استفاده از آن برای اجرای سیاست‌ها و اهداف سلطه‌گرانه، نشان از نقد و انتقاد روسیه و دیگر کشورها نسبت به رویکردهای یکجانبه و تحریم‌های آمریکا است. این نگرش نشان از تمایل روسیه و چین به مقاومت در برابر این نوع اقدامات و تأکید بر اهمیت رویکرد چندجانبه در روابط بین‌المللی و حفظ نظم جهانی است.

موضوع چهارم در سند جدید سیاست خارجی روسیه به وضوح بیان می‌کند که رویکرد این کشور نسبت به سایر کشورها بر اساس سیاست‌های سازنده، بی‌طرف یا غیردوستانه آنها تعیین خواهد شد. این امر نشان از تأکید روسیه بر احترام به روابط بین‌المللی سازنده و منطقی، عدم تعصب و تعامل متقابل با سایر کشورها است؛ به عبارت دیگر، روسیه قصد دارد رویکرد و سیاست خود را بر اساس رفتار و سیاست‌های دیگر کشورها شکل دهد. در این راستا، در سال ۲۰۲۲، روسیه به ایده کشورهای غیردوست که شامل کشورهای بلوک غرب و برخی دیگر از کشورها که با سیاست‌های غرب در مقابل روسیه مخالفت دارند، توجه ویژه‌ای داشته است. این کشورهای غیردوست از لحاظ روسیه به دلیل تضاد در سیاست‌ها و تعاملات، مورد توجه قرار گرفته‌اند. به علاوه، روسیه تصمیم گرفته است روابط خود با این کشورها را مورد بازنگری قرار دهد و امتیازات ترجیحی در زمینه صادرات نفت، گاز و سایر محصولات صنعتی را که به این کشورها ارائه می‌دهد، کاهش دهد و به نوعی روابط خود را با این کشورها مجدداً تعریف کند. این اقدامات نشان از تلاش روسیه برای ارتقاء روابط بین‌المللی متناسب با رویکرد و سیاست‌های دیگر کشورها بوده و نشان از تمایل این کشور به تحقق تعادل و تعامل متقابل در صحنه بین‌المللی است. این نگرش می‌تواند به ایجاد روابط مستحکم و پایدار با سایر کشورها کمک کند و به تحقق هدف‌های مشترک بین‌المللی انجامید (میرطاهر، ۱۴۰۲: ۱).

موضوع مهم دیگری که در سند جدید سیاست خارجی روسیه مطرح شده، از بین بردن تأثیرات سلطه آمریکا در جهان و ایجاد شرایط برای کنار گذاشتن طمع‌های هژمونیک این کشور در اولویت توجه است. این نکته نشان از تمایل روسیه به تعادل قدرت‌ها و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. در این راستا، مسکو آمریکا را منبع اصلی خطر برای امنیت خود و صلح جهانی می‌داند. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، بیان کرده است که دکترین جدید سیاست خارجی روسیه امکان اقدامات واکنشی متقارن یا نامتقارن را فراهم می‌کند، به طوری که آمریکا به عنوان آغازگر و موتور اصلی رویکرد ضد روسیه در جهان شناخته شده است. روسیه به مواجهه با سیاست‌های یکجانبه گرایانه آمریکا که هنوز هم خود را به عنوان پلیس جهانی می‌بیند و با مداخله‌گری در مناطق مختلف جهان، از جمله در جنگ اوکراین به عنوان سرکرده غرب، ابراز نگرانی کرده و تأکید بر تغییر این رویکرد دارد. این اظهارات نشان از دیدگاه روسیه نسبت به نقش آمریکا در صحنه بین‌المللی و تأثیرات سیاست‌های یکجانبه و مداخله‌گرانه آن است. این نگرش نشان از تمایل روسیه به تحقق تعادل قدرت، ایجاد نظم بین‌المللی متوازن و جلوگیری از طمع‌های هژمونیک کشورهای دیگر است. این موضوع می‌تواند به تعزیز روابط بین‌المللی سالم و پایدار و حفظ صلح و امنیت جهانی کمک کند.

در سند جدید سیاست خارجی روسیه، بیان شده است که این کشور امیدوار است که به جای رویارویی بیهوده با غرب، به تعامل مساوی بازگردد. این نکته نشان از تمایل روسیه به ایجاد روابط سازنده و متعادل با غرب است. در حال حاضر، کشورهای عضو اروپایی ناتو نیز به همان اندازه که آمریکا به رویکرد مواجهه با روسیه تمایل دارد، به تعامل با روسیه می‌پردازند. از طرفی، روسیه تمایل دارد به تعامل با غرب و از دست دادن رویاهای ضدیت

با آن. اقدامات اعضای اروپایی ناتو هم سو با خواسته‌های آمریکا برای مخالفت با روسیه صورت می‌گیرد. این نشان از تحولات در دیدگاه و رویکرد کشورهای اروپایی نسبت به روسیه است. این موضوع ممکن است به ایجاد فضایی برای مذاکرات و تعامل مساوی بین کشورها منجر شود و در پی آن روابط بین‌المللی متعادل‌تر و سازنده‌تر شکل گیرد. به طور کلی، این نکته مطرح شده در سند سیاست خارجی روسیه نشان از تمایل این کشور به پایان دادن به تنش‌ها و رویارویی بی‌معنا با غرب و تأکید بر تعامل و همکاری میان کشورها است. این موضوع می‌تواند به ارتقاء صلح، استقرار امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی و تحقق منافع مشترک کشورها کمک کند (میرطاهر، ۱۴۰۲: ۱).

اسناد سیاست خارجی فدراسیون روسیه تا سال ۲۰۲۳

در تاریخ فدراسیون روسیه تا پیش از ۲۰۲۳ پنج سند سیاست خارجی منتشر شده است که در ادامه محورهای اصلی این اسناد مورد بررسی قرار گرفته است. (دریائوند، ۱۴۰۳: ۱).

سند سیاست خارجی سال ۱۹۹۳

بوریس یلتسین، رئیس جمهور فدراسیون، روسیه در ۲۳ آوریل ۱۹۹۳ اولین سند سیاست خارجی فدراسیون روسیه را تصویب کرد. تدوین این سند دیپلماتیک در چارچوب پایان جنگ سرد، اجرای اصلاحات لیبرال دموکراتیک و رد تقابل دو قطبی انجام گرفت. دکترین مذکور مسیر کنار گذاشتن رویارویی با کشورهای غربی، ایجاد مشارکت با آمریکا و متحدان غربی‌اش را تثبیت کرد. مهم‌ترین وظیفه سیاست خارجی در این سند علاوه بر حفظ تمامیت ارضی و رعایت حقوق کشورهای CIS و قوم روس، پایان دادن به درگیری‌های مسلحانه و حل و فصل مناقشات در سراسر کشور بود (Znojevaitė, ۲۰۱۷).

سند سیاست خارجی سال ۲۰۰۰

این سند با فرمان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۰، تصویب شد. در این سند بر تشکیل نظام چندقطبی، نظم جهانی باثبات، عادلانه و دموکراتیک مبتنی بر هنجارهای جهانی با تأکید بر حقوق بین‌الملل و اهداف و اصول منشور ملل متحد و ایجاد "کمربند حسن همجواری در امتداد مرزهای روسیه" تأکید شده بود. علاوه بر این، در این سند روسیه، ساختار تک قطبی جهان تحت سلطه اقتصادی و نظامی آمریکا، سهم محدود نهادها و مجامع غربی در حل مسائل امنیتی بین‌المللی و تضعیف نقش شورای امنیت سازمان ملل را تهدیدی بر منافع ملی خود تلقی کرده است. در این سند به تقویت اتحاد بلاروس-روسیه به عنوان دو کشور مستقل پرداخته شد (Znojevaitė, 2017).

سند سیاست خارجی سال ۲۰۰۸

دیمیتری مدودف، رئیس‌جمهور وقت در ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۸ سند سیاست خارجه جدیدی منتشر کرد که منعکس‌کننده تمایل به حفظ تداوم در مسیر تقویت جهان چند قطبی و تشدید همکاری با مراکز مختلف قدرت بود. در ادامه قرار بود نهادهای چندجانبه با چارچوب «دیپلماسی شبکه‌ای»، ابتکارات دیپلماتیک مختلف (پیش‌نویس معاهده امنیت اروپا، توافقنامه اساسی بین روسیه و اتحادیه اروپا)، انعقاد سازش‌های منطقه‌ای عمدتاً در مورد مسائل منطقه‌ای (افغانستان، ایران، لیبی و غیره) ایجاد شود (Znojevaitė, 2017).

سند سیاست خارجی سال ۲۰۱۳

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در ۱۲ فوریه ۲۰۱۳ نسخه جدیدی از مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه را تصویب کرد. در این سند، قدرت نرم به عنوان ابزار جامعی برای

حل مشکلات سیاست خارجی با تاکید بر قابلیت‌های جامعه مدنی، اطلاعات و ارتباطات، بشردوستانه و سایر روش‌ها و فناوری‌های جایگزین دیپلماسی کلاسیک، تعریف شد. در این سند لحاظ شده بود که غرب در حال از دست دادن نقش مسلط خود هم در سیاست و هم در اقتصاد است؛ و قدرت و توسعه به سمت شرق و در درجه اول به منطقه آسیا و اقیانوسیه در حال تغییر است. در این سند، به خطرات استفاده مخرب از "قدرت نرم" و مفاهیم حقوق بشر با هدف فشار سیاسی بر دولت‌های مستقل و مداخله در امور داخلی آن‌ها توجه شد (Znojevaitė, 2017).

سند سیاست خارجی در سال ۲۰۱۶

در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶، سند دیگری از سیاست خارجی با فرمان ولادیمیر پوتین تصویب شد. در این سند دو وظیفه جدید در سیاست خارجی تبیین گردید:

تقویت موقعیت روسیه به عنوان یکی از مراکز تأثیرگذار دنیای مدرن؛

تقویت جایگاه ارتباطات جمعی و رسانه‌ای روسیه در فضای اطلاعاتی جهان. این سند بیانگر بحران جدی در روابط روسیه با کشورهای غربی بود؛ همچنین برای نخستین بار به لزوم حل و فصل مسائل سیاسی در سوریه، حفظ وحدت، استقلال و تمامیت ارضی این کشور پرداخته شد. در این به بحران اوکراین تاکید شد. روسیه با همکاری همه کشورهای ذی‌نفع و در چارچوب ساختارهای بین‌المللی آمادگی تلاش برای حل و فصل سیاسی - دیپلماتیک مناقشات درونی اوکراین را اعلام کرد (Znojevaitė, 2017)

جایگاه مناطق در سند سیاست خارجی ۲۰۲۳ روسیه

- منطقه خارج نزدیک: بر نقش روسیه و نهادهای منطقه‌ای برای جلوگیری از درگیری، مداخلات خارجی و مقابله با استقرار یا تقویت زیرساخت‌های نظامی کشورهای غیردوست و سایر تهدیدات علیه امنیت روسیه در خارج نزدیک تمرکز شده است. همچنین به حمایت همه جانبه از جمهوری آبخازیا و جمهوری اوستیای جنوبی و مفهوم ترویج انتخاب داوطلبانه مردم این کشورها براساس قوانین بین‌المللی توجه شده است. تقویت همکاری‌ها در منطقه دریای خزر و حل مسائل این منطقه در صلاحیت انحصاری پنج کشور خزر تاکید شده است. (Юрцов, 2023: 132)
- قطب شمال: شمالگان به دلیل جایگاه جهانی و پتانسیل بالقوه درگیری، نقش استراتژیکی دارد. روسیه به دنبال پیشبرد مسیر دریای شمال به عنوان کریدور حمل و نقل ملی می‌باشد. برای تحقق این اهداف، روسیه به کنوانسیون حقوق دریاها مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد؛ تنظیم روابط بین دولتی در اقیانوس منجمد شمالی؛ مقابله با سیاست کشورهای غیردوست با هدف نظامی کردن منطقه و محدود کردن توانایی این کشور در اعمال حقوق حاکمیتی خود در منطقه قطب شمال تاکید می‌کند (Юрцов, 2023: 132)
- اوراسیا- با تاکید بر چین و هند: تعمیق همه جانبه روابط و تقویت همکاری‌ها، افزایش حجم تجارت دوجانبه، رشد سرمایه‌گذاری و روابط فناور محور و اطمینان از مقاومت آنها در برابر اقدامات مخرب دولت‌های غیردوست پرداخته است (Юрцов, 2023: 134)

● آسیا و اقیانوسیه: مقابله با تضعیف نظام منطقه‌ای ائتلاف‌های چندجانبه امنیتی و توسعه آسه آن که بر اصول اجماع و برابری شرکت کنندگان استوار است و توسعه همکاری بین‌المللی گسترده برای مقابله با سیاست‌هایی با هدف ترسیم خطوط تقسیم در منطقه متمرکز شده است.

● جهان اسلام: اولویت پنجم سیاست خارجی روسیه است. در این سند آورده شده که کشورهای اسلامی فرصت و پتانسیل تبدیل شدن به یکی از مراکز قدرت در نظام چندقطبی آینده هستند. روسیه به دنبال گسترش همکاری با ج.ا. ایران، حمایت از سوریه و عمق بخشی به مشارکت‌های چندگانه با ترکیه، عربستان، مصر و سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی است (Юрсов, 2023: 135)

● منطقه اروپا، ایالات متحده و شرکای آنگلو ساکسون آن‌ها (استرالیا، کانادا، نیوزلند): روابط با کشورهای این مناطق مستقیماً به استراتژی و اقدامات آن‌ها بستگی دارد. روسیه به دنبال جلوگیری از افزایش تهدیدها علیه امنیت و حاکمیت ملی در نتیجه سیاست تهاجمی کشورهای غیردوست و کسب مزیت‌های اقتصادی یک‌جانبه آن‌ها است (Юрсов, 2023: 138)

در سند ۲۰۲۳ سیاست خارجی روسیه بر اهمیت ارتقای روابط با آفریقا، آمریکای لاتین و دریای کارائیب و همچنین جنوبگان و حفاظت از این مناطق به عنوان فضای غیرنظامی پرداخته شده است.

فرهنگ و تمدن روسی و جایگاه آن به عنوان قدرت بزرگ جهانی

نکته جالب در این سند جدید تاکید بر مبانی فرهنگی و تمدنی کهن روسیه است که در اسناد پیشین سابقه نداشته و در آن به قدمت هزار ساله دولت مستقل، میراث فرهنگی کهن و پیوندهای ژرف تاریخی با فرهنگ‌های اروپایی و اوراسیایی اشاره می‌کند که موقعیت ویژه‌ای را برای روسیه به عنوان یک کشور و تمدن منحصربه‌فرد و یک قدرت بزرگ در قلمرو اوراسیا و اروپا ایجاد کرده است. همچنین، به جایگاه و موقعیت جدید روسیه در ساختارهای جهانی تاکید شده و آورده است که با توجه به مواردی چون منابع قابل توجه، عضویت دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد، شراکت در سازمان‌های بین‌المللی، یکی از دو قدرت هسته‌ای بزرگ، سهم تعیین‌کننده در پیروزی در جنگ جهانی دوم، نقش فعال در شکل دادن به نظام روابط بین‌المللی معاصر و حذف نظام جهانی استعماری، روسیه یکی از مراکز مستقل توسعه جهانی است که ماموریتی تاریخی با هدف حفظ موازنه قدرت جهانی و ایجاد یک نظام بین‌المللی چند قطبی بر عهده دارد. لذا روسیه در جایگاه یک دولت تمدنی بزرگ و یک قدرت بزرگ جهانی در مرکز روندهای دگرگونی برای چند جانبه‌گرایی و تضمین صلح و امنیت جهانی تصویر شده است (کرمی، ۱۴۰۲: ۱).

روند چند قطبی شدن نظام بین‌المللی و تکثر بازیگران جهانی و منطقه‌ای

در این سند مهم‌ترین دگرگونی را روند شکل‌گیری تکثر عادلانه‌تر نظام بین‌المللی، پایان هژمونی غربی، آغاز روند ظهور قدرت‌های جهانی غیر غربی و قدرت‌های پیشرو منطقه‌ای، دگرگونی ساختاری اقتصاد جهانی، ظهور فناوری‌های جدید، رشد آگاهی ملی، تنوع فرهنگی و تمدنی، گسترش مراکز جدید رشد اقتصادی، نفوذ ژئوپلیتیکی و دموکراتیک‌تر شدن روابط بین‌الملل دانسته و این روند و دگرگونی‌های آن را امری عموماً مطلوب می‌بیند

که دول غربی آن را نامطلوب می‌انگارند و از به رسمیت شناختن واقعیت‌های جهان چندقطبی و توافق بر روی پارامترها و اصول نظم جهانی خودداری می‌کنند.

از منظر کرملین، در این جهان نو که بحران‌های فراملی در حال گسترش و نیازمند تمهیدات جمعی‌ست، اما در عمل به خاطر سیاست‌های غرب، پاسخ‌های جمعی به چالش‌ها و تهدیدهای فراملی دشوارتر می‌شود. لذا به زعم مسکو، فرهنگ گفتگو در امور بین‌الملل و اثربخشی دیپلماسی به عنوان ابزاری برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در حال کاهش و اعتماد و پیش‌بینی‌پذیری امور بین‌المللی به طور جدی تضعیف شده است.

همین‌طور تاکید شده که نقش عامل قدرت در روابط بین‌الملل در حال افزایش، درگیری در مناطق مهم راهبردی در حال گسترش، بی‌ثبات‌سازی و نوسازی قابلیت‌های نظامی تهاجمی و نابودی نظام پیمان کنترل تسلیحات، موجب تضعیف ثبات راهبردی جهانی شده است. از همه مهم‌تر اینکه، درگیری در برخی مناطق، امنیت جهانی را در معرض خطر قرار داده و برخورد بین دولت‌های بزرگ هسته‌ای، احتمال تبدیل به یک جنگ محلی، منطقه‌ای یا جهانی را افزایش می‌دهد.

این سند بحران اوکراین را توطئه‌ای غربی با هدف تضعیف نقش تمدن ساز، قدرت، توانایی‌های اقتصادی و فناوری و محدود کردن حاکمیت مسکو در سیاست خارجی و داخلی و نقض تمامیت ارضی آن انگاشته و ابراز امیدواری می‌کند که در آینده کشورهای غربی متوجه شوند که سیاست تقابل و جاه‌طلبی‌هایشان آینده‌ای نداشته و نیازمندند همکاری عملی برابر و محترمانه‌ای با روسیه در پیش‌گیرند؛ اما روسیه در پاسخ به اقدامات غیردوستانه غرب، قصد دارد با استفاده از تمام ابزارهای موجود، از حق موجودیت و آزادی عمل خود دفاع کند. به زعم نگارندگان سند، بیشتر مردم جهان علاقه‌مند به داشتن روابطی سازنده با روسیه

و تقویت مواضع روسیه در صحنه بین‌المللی به عنوان یک قدرت تأثیرگذار جهانی اند که سهمی تعیین‌کننده در حفظ امنیت جهانی دارد و این موضوع، گستره‌ای از فرصت‌ها را برای فعالیت روسیه در صحنه بین‌المللی باز می‌کند.

منافع ملی و اهداف راهبردی در محیط بین‌المللی بحرانی

حفظ نظام سیاسی و ساختار قانونی کشور، یکپارچگی سرزمینی، جان و مال و رفاه شهروندان روس، ارزش‌ها و میراث فرهنگی ملی، محیط زیست، ثبات راهبردی، صلح و امنیت بین‌المللی و مبانی حقوقی روابط بین‌الملل به عنوان مهم‌ترین منافع ملی روسیه امروز مورد توجه قرار گرفته‌اند. لذا بر بنیان این منافع ملی، سیاست خارجی روسیه بایستی در راستای تضمین امنیت کشور، حاکمیت و تمامیت ارضی، ایجاد محیط خارجی مساعد برای توسعه پایدار و تحکیم موقعیت کشور به عنوان یکی از مراکز مسئول، قدرتمند و مستقل جهان نو تنظیم و اجرا شود.

همینطور، اهداف راهبردی سیاست خارجی روسیه از طریق شکل دادن به نظم جهانی عادلانه و پایدار، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، ثبات استراتژیک، کمک به تمهید راهکارهای جامع و مؤثر جامعه بین‌المللی برای همکاری در برابر چالش‌ها و تهدیدات، از جمله درگیری‌ها و بحران‌های منطقه‌ای، و ترویج همکاری‌های دوجانبه و برابر با همه کشورهای خارجی پیگیری خواهد شد. در ادامه نیز مقابله با فعالیت‌های ضد روسی کشورها و نهادهای خارجی، تقویت ظرفیت نهادهای منطقه‌ای چندجانبه و ساختارهای همگرایی با مشارکت روسیه، تحکیم موقعیت روسیه در اقتصاد جهانی، تحکیم موقعیت زبان روسی در جهان و کمک به حفظ نقش واقعی آن در تاریخ جهان، حفاظت از حقوق، آزادی‌ها و منافع مشروع شهروندان و نهادهای روسیه در خارج از کشور به عنوان اهداف سیاست خارجی مطرح شده‌اند.

اولویت‌های سیاست خارجی از امنیت ملی تا ثبات راهبردی

جهانی

با توجه به مفاد سند ۲۰۲۳ درباره اولویت‌های سیاست خارجی روسیه که شما ارائه داده‌اید، می‌توان گفت که روسیه تاکید زیادی بر اهمیت ایجاد یک نظم جهانی عادلانه و پایدار دارد. این نظم جهانی شامل حاکمیت قانون در روابط بین‌الملل، تقویت صلح و امنیت بین‌المللی و تضمین منافع فدراسیون روسیه در اقیانوس‌ها، فضا و ماورای جو است. علاوه بر این، روسیه به دنبال تقویت همکاری اقتصادی بین‌المللی و حمایت از توسعه بین‌المللی نیز است. این امر نشان از تمایل آنان به ایجاد روابط اقتصادی مستقیم با سایر کشورها و همچنین حمایت از پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای جهانی دارد. حفاظت از محیط زیست و سلامت جهانی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است که نشان از توجه روسیه به مسائل محیط زیستی و بهداشتی جهانی دارد. همچنین، تاکید بر همکاری بین‌المللی بشردوستانه، حفاظت از شهروندان و سازمان‌های روسیه در برابر اقدام‌های غیرقانونی خارجی، حمایت از هموطنان مقیم خارج از کشور، همکاری بین‌المللی در زمینه حقوق بشر و پشتیبانی اطلاعاتی از سیاست خارجی فدراسیون روسیه نشان از تنوع و گستردگی اولویت‌های سیاست خارجی این کشور است. با توجه به اهمیت این اولویت‌ها، روسیه تلاش می‌کند تا با حضور فعال در ارتباطات بین‌المللی و همکاری با سایر کشورها، نقش موثری در ایجاد یک جهان پایدار و صلح آمیز ایفا کند (Składanowski, 2024: 120).

برای تقویت نظم جهانی بر مبنای وستفالیایی بودن، چند قطبی بودن و چند جانبه‌گرایی بین‌المللی، بر افزایش ظرفیت و نقش نهادهای بین‌المللی مانند بریکس (برزیل، روسیه، هند،

چین و آفریقای جنوبی)، سازمان همکاری شانگهای، کشورهای هم‌سود، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان پیمان امنیت جمعی، ریس (روسیه، هند، چین) و سایر سازمان‌ها و ساختارهای بین‌المللی با مشارکت قوی روسیه تأکید شده است.

برای تضمین ثبات راهبردی و جلوگیری از بروز زمینه‌های آغاز جنگ جهانی، روسیه تمهیدات مهمی را به عنوان بخشی از سیاست خارجی خود مدنظر قرار داده است. این تمهیدات شامل بازدارندگی راهبردی، جلوگیری از تشدید روابط خارجی تا مرز درگیری نظامی و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای است. تقویت و توسعه نظام معاهدات بین‌المللی در زمینه ثبات راهبردی از اهمیت بالایی برخوردار است. این نوع معاهدات می‌تواند به ایجاد قوانین و تنظیماتی که جلوی افزایش تسلیحات و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را می‌گیرند، کمک کند. همچنین، کنترل تسلیحات و جلوگیری از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و وسایل پرتاب آنها نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین، تقویت و توسعه ترتیبات بین‌المللی کنترلی در سطوح مختلف می‌تواند به ایجاد یک ساختار امنیتی بین‌المللی نو کمک کند. این ترتیبات می‌تواند به کنترل و مدیریت مناسب بحران‌ها، پیشگیری از تعارضات بین‌المللی و ایجاد مکانیسم‌های صلح‌آمیز برای حل اختلافات کمک کنند. با اعمال این تمهیدات و توسعه هر چه بیشتر نظام معاهدات بین‌المللی، روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های برجسته جهانی می‌تواند نقش موثری در تضمین ثبات راهبردی و ایجاد یک محیط بین‌المللی امن و پایدار ایفا کند. این اقدامات می‌تواند به پیشگیری از بروز تهدیدات بزرگتر و حفظ صلح و امنیت جهانی کمک کنند. (Składanowski, 2024: 120)

همچنین، روسیه خواستار تقویت دیگر تمهیدات کنترلی و محدودیت‌ساز بین‌المللی مرتبط با نظام ملل متحد است که برای تضمین صلح و امنیت جهانی ضروری بوده و در این رابطه

به موارد زیر اشاره کرده است: افزایش قابلیت پیش بینی در روابط بین الملل، بهبود اقدامات اعتمادساز در عرصه نظامی و بین المللی و جلوگیری از حوادث غیر عمدی مسلحانه؛ اجرای تضمین های امنیتی در معاهدات مناطق عاری از سلاح هسته ای؛ کنترل تسلیحات متعارف، مبارزه با حمل و نقل غیرقانونی جنگ افزارهای کوچک و سبک؛ تقویت ایمنی و امنیت هسته ای در سطح جهانی و جلوگیری از اعمال تروریسم هسته ای؛ توسعه همکاری در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی برای رفع نیازهای همه کشورهای ذینفع در سوخت و انرژی با در نظر گرفتن حق هر دولت برای تعیین مستقل سیاست ملی خود در این زمینه؛ تقویت نقش مکانیسم های کنترل صادرات چندجانبه در زمینه های تضمین منع گسترش سلاح های کشتار جمعی و ابزارهای پرتاب آن، مخالفت با تبدیل این مکانیسم ها به ابزار محدودیت های یکجانبه که مانع اجرای همکاری های مشروع بین المللی می شود. این موارد کاملاً نشان دهنده سمت گیری و ستفالیایی در سیاست خارجی روسیه برای حفظ وضع موجود ساختار حقوقی و سیاسی در چارچوب نظام ملل متحد و نظام حقوقی بین المللی برآمده از آن است.

نتیجه گیری

دکترین جدید سیاست خارجی ۲۰۲۳ روسیه که با چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی جان مرشایمر تحلیل شده است، نمایانگر تلاشی راهبردی برای بازتعریف نظم بین‌المللی و مقابله با هژمونی غرب، به‌ویژه ایالات متحده و ناتو است. این دکترین با تأکید بر گسترش نفوذ منطقه‌ای، شکل‌گیری اتحادهای استراتژیک با قدرت‌های غیرغربی و کاهش وابستگی به ساختارهای تحت رهبری غرب، مسیری را برای روسیه ترسیم می‌کند که بر اساس منافع ملی و امنیتی خود، به‌دنبال بازتعریف جایگاهش در نظام بین‌المللی است. از منظر واقع‌گرایی تهاجمی، اقدامات روسیه را می‌توان واکنشی به تهدیدات ادراک‌شده از جانب غرب دانست که در چارچوب رقابت قدرت‌های بزرگ معنا پیدا می‌کند. این رویکرد، با اتکا به تقویت قدرت سخت و نرم، تلاش دارد تا ضمن حفظ حاکمیت و استقلال تصمیم‌گیری، جایگاه روسیه را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در عرصه نظام بین‌المللی بازسازی کند. با این حال، پیامدهای این سیاست می‌تواند در شکل‌گیری شکاف‌های عمیق‌تر میان روسیه و غرب و همچنین تغییر در الگوهای تعامل و توازن قدرت جهانی تأثیرگذار باشد. این تحولات، نه تنها بر آینده روسیه بلکه بر ساختار کلان نظم بین‌المللی و پویایی‌های منطقه‌ای تأثیری تعیین‌کننده خواهد داشت که مستلزم توجه ویژه از سوی تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران بین‌المللی است.

منابع

- دریاوند، آناهیتا (۱۴۰۳). نگاهی به اهداف سیاست خارجی روسیه بر اساس سند ۲۰۲۳، قابل دسترس از: <https://www.iirjournal.ir/859>
- دکتر کرمی، جهانگیر (۱۴۰۲). سند جدید تدبیر ساست خارجه روسیه در ۲۰۲۳، قابل دسترس از: <https://www.iras.ir/>
- رومی، فرشاد (۱۳۹۷). فهم تحولات سیاست خارجی روسیه؛ برآیندی از زیست جهان‌های متکثر، فصلنامه سیاست جهانی، (۷)، ۸۷-۱۱۳.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
- میرطاهری، سید رضا (۱۴۰۲). دکترین سیاست خارجه روسیه در مسیر جهان چند قطبی، قابل دسترس از: <https://www.javanonline.ir/fa/news/1149114>
- یزدان فام، محمود (۱۳۸۶). دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸.

- Freitas, A. P. C. (2023). The Changing Nature of Power in Russian Foreign Policy. Putin's Foreign Policy: A Continuation of the Past or the Beginning of a New Era? (Master's thesis, Universidade de Coimbra (Portugal)).
- Mearsheimer, John. (2001). The Tragedy of Great Power Politics. New York: Norton.
- Mearsheimer, John. (2022). John Mearsheimer on why the West is principally responsible for the Ukrainian crisis. Foreign Affairs.
- Składanowski, M., Smuniewski, C., Kopiec, P., & Bado, B. (2024). The People's Republic of China in the Security Policy of the Russian Federation: The Evolution of Russian

- Strategic Documents in 2000–2023. Athenaeum. *Polskie Studia Politologiczne*, 83, 115-134.
- Snigyr, O. (2024). Russian strategic narratives, 2022–2023. *Orbis*, 68(1), 3-23.
- Waltz, Kenneth H. (1979). *Theory of International Politics*, New York: Random House.
- Юрсов, Е. Е. (2023). Place and Role of the Arctic Region in the 2023 Foreign Policy Concept of the Russian Federation. In *StudArctic Forum* (Vol. 8, No. 4, pp. 132-137).
Федеральное государственное бюджетное образовательное учреждение высшего профессионального образования «Петрозаводский государственный университет».